

مهریت لویه جرگه در افغانستان



طوری که خواننده گان این سطور میدانند:

ما در نخستین روزهای ورود طالبان و سقوط جمهوری اسلامی افغانستان به خاطر رفع خلی مشروعت و به میان آمدن قانونیت در کشور غرض جلوگیری از هرج و مرج کنونی طرح فراخوان لویه جرگه تاریخی و عنعنوی مردم افغانستان را در دستور روز قرار داده، همچنان پیشینه، ضرورت، سجایا و نواقص آن را مورد کنکاش قرار دادیم.

در گفتنی های ما صراحت دادیم: جرگه ملی یا لویه جرگه، بزرگترین مجمع بزرگان و شخصیت های قومی و اجتماعی کشور است که در موارد بحرانی در افغانستان تشکیل می شود. لویه جرگه در مورد مسایل مربوط به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و مصالح علیای کشور تصمیم اتخاذ میکند و در صورت لزوم قانون اساسی را تعدیل و یا تصویب میکند.

بعد از آن آقای تام ویست نماینده خاص امریکا در امور افغانستان نیز تدویر لویه جرگه را راه حل دانست. او طالبان را ترغیب نموده بود که ساختار سیاسی افغانستان را در مشورت با مردم این کشور مشخص کنند.

این درست است که لویه جرگه عالی ترین مظهر اراده مردم افغانستان بوده و فراخوان آن در وضعیت کنونی هنوز هم میتواند رهکشاه باشد، زیرا: از یکسو افغانستان ایجاب یک مرحله گذار به نظام دموکراتیک را مینماید و از سوی دیگر از خلی قانونی مردم کشور رنج برده و کلیه چرخهای حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را کد و روبه زوال گردیده است.

از جانب دیگر میراث قابل افتخار از جمهوری اسلامی هم نداریم، زیرا: گروههای جهادی و تکنوکرات گذشته در بیست سال اشغال بجز انحطاط و چپاول دارایی عامه و حیف و میل ملیارد ها دالر باد آورده ارمغانی دیگری نداشتند، روی این برهان مردم شکست ننگین دیکتاتوری شبکه های مافیایی و جهادی را استقبال و جشن گرفتند.

مگر از بخت بد مردم افغانستان، جانشین حکومت قبلی هم چندان ارمغانی نداشتند و ندارند، زیرا تطبیق شرعیت، اسلام سازی یک جامعه کفری و سپس اسلامیزه ساختن کشور و استحکام یک نظام سیاسی و اجتماعی شرعی در دستور کار نو به دوران رسیده ها صراحت دارد.

مردم مظلوم افغانستان در بین دو سنگ آسیاب درگیر مانده اند که راه برون رفت خیلی پیچیده
ودشوار به نظر میرسد!

اما بیا ببینیم که به استناد آخرین قانون اساسی افغانستان به عناصر متشکله و نهاد های حقوقی تدویر
لویه جرگه نظر اندازیم:

در ترکیب اعضای لویه جرگه ها لازمست که بر علاوه مشران و بزرگان انتخابی اقوام، ملیتها و قبایل
کشور، اعضای شورای ملی، نماینده گان شورای های ولایتی، وزرا، رئیس و اعضای ستره محکمه
ولوی څارنوالی شرکت نمایند (البته وزرا و اعضای قوه قضاییه ولوی څارنوالی حق رای را نمی
داشته باشند)

هرگاه بخواهیم این ماده تحقق یابد در وضعیت کنونی که شورای ملی منحل است، نماینده گان
شورا های ولایتی رسمیت ندارند، قضا و کابینه سرپرست است و هنوز مساله انتخاب نماینده گان
در نظر نیست. پس چگونه میتوان به این امر مبادرت ورزید؟

آری! راه حل وجود دارد اگر گوش شنوا باشد.

در کشوری که قانون اساسی و ساختار های دموکراتیک فرو ریخته و یک نظام توتالیتر تئوکراتیک
و استبدادی بر مبنای ایدئولوژی اسلام سیاسی حکمرانی میکند.

چه باید کرد؟

نهاد قانونی که بتواند میکانیزم لویه جرگه را تنظیم کند مورد سوال است. زیرا قانون اساسی فلج
بوده و هنوز واضح نیست که قانون اساسی 1343 دوران شاهی مرعی الاجرا است یا چگونه؟

پس نخست لازم است به آخرین قانون اساسی افغانستان مصوب سال 2013 تمکین و این قانون
اساسی مدار اعتبار قرار داده شود، متعاقباً بر مبنای این قانون راه انتخاب و گزینش نماینده گان لویه
جرگه در حدی فراهم خواهد شد که یک لویه جرگه شرایط بحران اضطراری را پوشش دهد.

در این عرصه تجارب و اندوخته های از چندین لویه جرگه دارم که هنگام نیاز میتوانم در اختیار
دست اندرکاران فراخوان لویه جرگه قرار دهم.

تا آنگاه